

خطابات خداوند
در قرآن

یا ایها الذین آمنوا

یا ایها الذین آمنوا

یا ایها المؤمنون



مهین شریفی

در شماری از آیات قرآن، گروه‌ها و افراد ویژه‌ای مورد خطاب خداوند قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین این گروه‌ها مؤمنین‌اند که با تعابیر مختلفی مورد خطاب مستقیم خداوند قرار گرفته‌اند.

این تعابیر عبارتند از:

الف) یا ایها الذین آمنوا

این تعبیر که ۸۹ بار در قرآن تکرار شده است^۱، خطاب به گروه خاصی از مردم - یعنی مؤمنان - است. خطاب «یا ایها الذین آمنوا» خطابی ویژه سور مدنی است.^۲

اهتمام اصلی قرآن در سور مکی، توجه به مبدأ و معاد است اما در سور مدنی ضمن تأکید بر این دو محور، به تربیت مؤمنان می‌پردازد^۳ و اعمال ایشان را - از شرک و آلودگی‌های دیگر - تنزیه می‌کند.

پس از پیراستن اندیشه و باور آدمیان از شرک - که بیماری شایع و مزمن مکیان بود - اکنون زمان آن رسیده است که مسلمانان نوایمان، به آداب صحیح اخلاقی و اجتماعی تربیت شده و اعمالشان را نیز از شرک بزدایند و نظم و پای بندی به قانون اجتماعی را فراگیرند.

مدینه، دوران قانونگذاری و تشریح اسلام است چه این که تعداد مسلمانان به تدریج روبه فزونی نهاد و جامعه‌ای تشکیل شد که برای ادامه حیات خود، نیازمند وضع قوانین بود.

بنابر این سور مدنی - علاوه بر تأکید بر محورهای اعتقادی - عهده‌دار تشریح و قانونگذاری است. غالب سور مدنی خطاب به مؤمنان است. ^۴ و خطاب «یا ایها الذین ءامنوا»، تکریم و بزرگداشت ایشان است. ^۵ تکریم کسانی که نخستین گروندگان به پیامبر (ص) و پیروان پیشتاز او بودند. ^۶

موضوعات و مضامینی که این آیات حامل آن است، مضامینی عام و فراگیر است، و همه مکلفان را شامل می‌گردد، همان گونه که سایر اوامر قرآنی، قابل تعمیم است. خداوند در این خطاب‌ها - با آموختن آداب خرد و کلان - تجربه دینداری مؤمنان را در جهات گوناگون، فزونی می‌بخشد و با تذکرات پی در پی، ایشان را به کمال بخشیدن این تجربه فرامی‌خواند.

خطاب‌های مکرر مؤمنان در قرآن، کاشف از چند حقیقت است:

- ایمان فقط به زبان نیست. ^۷ و گروه ایمان آورندگان، که سخنان رسول اسلام را تصدیق و باورداشته‌اند. ^۸ پیوسته اعمالشان مورد مؤاخذه قرار می‌گیرد. و حتی به واسطه سخنی بی‌کردار یا گفتاری بدون پشتوانه عملی مورد انتقاد و نکوهش واقع می‌شوند. (صف/۲)

- ایمان مسئولیت آفرین است. ^۹ و حتی ظرایف اخلاقی مانند جای گشودن در محافل و مجالس برای تازه واردان (مجادله/۱۸)، ورود به خانه دیگران با رخصت و سلام از سوی مؤمنان باید رعایت شود. (نور/۲۷)

- مؤمن بی‌نیاز از تذکر و انتقاد پیاپی نیست. چنان که قرآن نکوهشی گران را متوجه مؤمنان می‌کند که به پیامبر (ص) خیانت نکنید. (انفال/۲۷)، مانند کافران نباشد. (آل عمران/۱۵۶) و کمک‌های مالی خود را به منت آلوده نکنید. (بقره/۲۶۴) و....

اگر چه خطاب «یا ایها الذین ءامنوا» تعبیری محترمانه و شوق انگیز است، اما محتوای آیاتی که این خطاب، مطلع آن است گاه عتاب آمیز و هشدار دهنده است مانند: یا ایها الذین ءامنوا لا تقربوا الصلوة و ائتم سکاری حتی تعلموا ما تقولون. (نساء، ۴/



و گاهی نیز روشن گر و هدایت بخش و یا مبین احکام است مانند :
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصُرَكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ . (محمد، ۷/۴۷)
 شماری از این آیات نیز شامل پند و تذکری به مؤمنان است؛ زیرا تذکر، بهره و
 نصیب ایشان از سخنان حکمت آمیز است. ۱۰
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا. (تحریم، ۶/۶۶)

خطاب یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا در نگاه مفسران

مفسران بر این عقیده اند که این خطاب، جایگزین «یا أَيُّهَا الْمَسَاكِين» در تورات است و گویند که خداوند در عهد موسی، جهودان را به مسکنت خطاب کرد و در عهد پیامبر (ص) به تازیانه مسکنت ادب کرد. ۱۱ لذا این خطاب را تجلیل و تفضیلی ۱۲ بر امت محمد دانسته ۱۳ و آن را خطاب مدح نامند. ۱۴

حکمت تکرار این خطاب همراه با وصف ایمان، ایجاد شوق در پذیرش فرمان حق است و ترغیب و اطاعت از اوامری که پس از آن آمده است. ۱۵ خداوند با این خطاب ارشادی، تصدیق کنندگان رسولش را ۱۶ به فزونی اهتمام در فراگیری و انجام اوامر پس از آن فرامی خواند و به آنها یادآور می شود که مقتضای ایمان، عمل است. ۱۷ گفته اند حکمت تکرار این خطاب، گفت و گوی رویاروی خدا با مؤمنان است، چنان که کاربرد ساختار عیب - در گفتار با کافران - دلیل بر اهانت و خواری آنان است، ۱۸ و این خطاب، بزرگداشت مؤمنان است.

خطاب یا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا، از یک سو توجه مردم را به وصف ایمان برانگیخته و از سوی دیگر ایشان را متوجه تکالیف گران بار خود می کند. ۱۹

گفته اند که این خطاب را مصداقی فراگیر است به طوری که گروهی علی (ع) را رأس این خطاب و امیر آن دانسته اند. ۲۰ و شماری دیگر حتی منافقان و ابلیس را - به دلیل اقرار ظاهری به ایمان - در شمار مصداق این خطاب آورده اند. ۲۱

شماری از مفسران نیز بر این باورند که این خطاب محترمانه، ویژه مؤمنان این امت است و مراد از آن، مهاجران و انصارند، ۲۲ که در عهد پیامبر - یعنی روزگار رنج و غربت اسلام و مسلمانان - به آن، ایمان آوردند، لکن تکالیفی که این خطاب حامل آنهاست، ویژه یک دوره و یک گروه نبوده و مانند سایر تکالیف قرآنی، فراگیر و قابل تعمیم است. ۲۳



از سوی دیگر، پذیرش نزول وحی تدریجی قرآن، و شأن نزول آیات، مؤید این معناست که این ۸۹ خطاب، بی شک مخاطبانی ویژه- در همان دوران- داشته است. غالب مفسران- این خطاب را متوجه مؤمنان- در زمان های مختلف- ۲۴ و به منظور تعلیم آداب شریعت- به ایشان- دانسته اند. ۲۵

بررسی موضوعی این خطاب

آیاتی که حامل خطاب «یا ایها الذین آمنوا» است- در حقیقت- قانونی مدون و منشوری جامع، برای جامعه نوبیان اسلامی است. این منشور، حاوی اصول و کلیاتی است که در تمام جوامع و ادوار قابل اجراست. اصولی مانند پای بندی به عدالت (نساء/۱۳۵)، انفاق (بقره/۲۵۴)، ایجاد نظام اقتصادی مطلوب (آل عمران/۱۳۰)، التزام و پای بندی به قوانین مدون جامعه و باورهای صواب آن (بقره/۱۷۸، ۱۸۳)، صبر و خویشتن داری (بقره/۲۷۸) پای بندی به صلح و امنیت (بقره/۲۰۸)، التزام به آداب دینداری (مائده/۱، ۲، ۶، ۸) و... از جمله اصول پایدار، مانا و قابل اجرا برای تمام جوامع اسلامی در دوره های مختلف است.

فرمان ها، پندها و تذکراتی که پس از این خطاب آمده است، در یک تقسیم بندی موضوعی- با عنوان اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی و احکام- ۲۶ قابل طرح خواهد بود.

الف) مضامین و تذکرات اعتقادی پس از این خطاب عبارت است از:

۱. تذکر و یادآوری معاد. (بقره/۲۵۴؛ انفال/۲۴؛ مائده/۹۴)
۲. پیروی نکردن از کفار در امور اعتقادی که به بازگشت کفرآمیز نو مسلمانان، منجر خواهد شد. (آل عمران/۱۰۰، ۱۴۹)
۳. ایمان به خدا، رسول و کتابش. (نساء/۱۳۶؛ حدید/۲۸؛ صف/۱۰)
۴. داشتن تقوایی عمیق و نافذ که منجر به تسلیم و رضامندی- حتی در هنگام مرگ- خواهد شد. (آل عمران/۱۰۲)
۵. نداشتن گفتار و کرداری کفرآمیز. (آل عمران/۱۵۶)
۶. یادآوری نعمت های خدا، رعایت تقوا و توکل. (مائده/۱۱)
۷. تذکر به بی نیازی خداوند از آدمیان. (مائده/۵۴)



۸. تذکر به نظارت خدا بر اعمال آدمیان و آزمودن ایشان . (مائده/۹۴)
۹. اجابت دعوت حیات بخش خدا و رسولش . (انفال/۲۴)
۱۰. مداومت بر یاد خدا و پایداری در برابر انبوه مخالفان . (انفال/۴۵)
۱۱. تذکر به پلیدی مشرکان و بتان . (توبه/۲۸؛ مائده/۹۰)
۱۲. یاد آوری امدادهای غیبی خداوند و نعمت های او . (احزاب/۹)
۱۳. تداوم یاد خدا و تسبیح او . (احزاب/۴۱)
۱۴. تکریم و تجلیل از پیامبر (ص) و درود فرستادن بر او . (احزاب/۵۶)
۱۵. یاری کردن خدا و جهاد در راه او . (صف/۱۰ و ۱۴؛ محمد/۷)
۱۶. باز نماندن از یاد خدا به واسطه اشتغالات دنیایی . (منافقون/۹)
۱۷. باز داشتن خود و خاندان خود از آتش . (تحریم/۶)
۱۸. دعوت و فراخوانی به توبه ای نصوح . (تحریم/۸)
۱۹. مددجویی و یاری خواهی از صبر و نماز . (بقره/۱۵۳)
- ب) فرمان ها و تذکرات اخلاقی عنوان شده پس از خطاب یا آیتها الذین ءامنوا
۱. رعایت اصول اخلاقی در گفتار به ویژه با پیامبر (ص) . (بقره/۱۰۴)
۲. مددخواهی و یاری جویی از صبر و نماز . (بقره/۱۵۳)
۳. خوردن روزی پاکیزه و سپاسگزاری از خداوند . (بقره/۱۷۲)
۴. نیالودن کار خیر به منت و آزار . (بقره/۲۶۴)
۵. پای بندی به تقوا . (بقره/۲۷۸؛ مائده/۳۵ و ۵۷؛ توبه/۱۱۹؛ احزاب/۷۰)
- و رعایت حد شایسته آن . (آل عمران/۱۰۲)
۶. نداشتن دوستی بسیار نزدیک با بیگانگان و کینه ورزان . (آل عمران/۱۱۸)
۷. صبر و شکیبایی و دعوت دیگران به آن . (مائده/۲۰۰)
۸. خودشناسی و مراقبت از خود . (مائده/۱۰۵)
۹. رعایت ادب در حضور پیامبر (ص) . (انفال/۲۰؛ حجرات/۱، ۲)
۱۰. خیانت نکردن به خدا و رسول و امانات . (انفال/۲۷)
۱۱. رعایت تقوای الهی که منجر به دست یابی به قدرت تمیز حق و باطل و پوشش خطاها می شود . (انفال/۲۹)
۱۲. گفتاری صواب و پسندیده داشتن . (احزاب/۷۰)



- ۱۳ . مسخره نکردن سایران . (حجرات/۱۱)
- ۱۴ . اجتناب از گمان ورزی (زیرا بیشتر گمان ها گناه است)، (حجرات/۱۲)
- ۱۵ . همراهی با صداقت پیشگان . (توبه/۱۱۹)
- ۱۶ . پیروی نکردن از روش های شیطانی . (نور/۲۱)
- ۱۷ . اعتماد و اطمینان به گفتار و کردار مردم (در عقیده) و در صورت لزوم تحقیق و تفحص در امور . (نساء/۹۴)
- ۱۸ . پای بندی به تقوا و توکل . (مائده/۱۱؛ حدید/۲۸؛ حشر/۱۸)
- ۱۹ . پرهیز از نجوا، در دشمنی و گناه و نافرمانی پیامبر . (مجادله/۹)
- ۲۰ . اجتناب از گفتار بی کردار (قول بی عمل)، (صف/۲)
- ج) تذکرات و اوامر اجتماعی طرح شده پس از خطاب یا آیها الذین ءامنوا
- ۱ . دخول همگانی در سلیم (امنیت و صلح) . (بقره/۲۰۸)
- ۲ . انفاق از دارایی های اکتسابی و خدادادی . (بقره/۲۵۴، ۲۶۷)
- ۳ . رعایت (یک) سیستم اقتصادی سالم و پرهیز از ربا . (بقره/۲۷۸؛ آل عمران/۱۳۰)
- ۴ . رعایت قوانین و موازین عرفی و اجتماعی در قراردادهای اجتماعی . (بقره/۲۸۲)
- ۵ . اجتناب از مال اندوزی باطل، و کسب درآمد از طریق تجارتي بهره ساز برای طرفین معامله . (نساء/۲۹)
- ۶ . تذکر و هشدار به این که دشمنی با گروهی، منجر به بی عدالتی و ظلم - در حق ایشان - نشود . (مائده/۲ و ۸)
- ۷ . رعایت عدالت در شهادت . (مائده/۸)
- ۸ . عدم دوستی نزدیک با یهود و نصاری و با کسانی که (از میان اهل کتاب و کفار) دین را به بازی گرفته اند . (مائده/۵۱ و ۵۷)
- ۹ . اجتناب از پرسش های بی مورد و فراتر از گنجایش فردی . (مائده/۱۰۱)
- ۱۰ . بی تفاوت نبودن نسبت به فرمان جهاد . (انفال/۳۸)
- ۱۱ . همکاری در نیکی و تقوا و همکاری نکردن در گناه، دشمنی و تجاوز . (مائده/۲)
- ۱۲ . رعایت قسط و عدل حتی بر علیه خود و خویشان و پیروی نکردن از خواست های فردی در مقابل عدالت . (نساء/۱۳۵)



۱۳. رعایت حدود الهی و تعدی نکردن به دیگران. (مائده/۸۷)
۱۴. پشت نکردن به دشمنان در جهاد (با کافران). (انفال/۱۵)
۱۵. پرهیز از دوستی نزدیک با خویشاوندانی که دوستدار کفرند. (توبه/۲۳)
۱۶. عدم ورود به حریم شخصی افراد بدون رخصت و سلام. (نور/۲۷)
۱۷. لزوم اجازه فرزندان بالغ برای ورود به حریم شخصی والدین. (نور/۵۸)
۱۸. رعایت حرمت پیامبر (ص)، زنان پیامبر و خانه های او. (احزاب/۵۳)
۱۹. تهدید و هشدار به مال اندوزی و صاحبان درآمدهای ناحق. (توبه/۳۴)
۲۰. رعایت حرمت پیامبر (ص) و ادب حضور او. (احزاب/۶۹؛ حجرات/۲، ۱؛ مجادله/۱۲)
۲۱. لزوم تحقیق و تفحص خبر فاسق. (برای جلوگیری از پیامدهای ناروای آن)، (حجرات/۶)
۲۲. جای گشودن در مجالس و محافل برای تازه واردان. (مجادله/۱۱)
۲۳. نپذیرفتن ولایت دشمنان خدا و مردم. (ممتحنه/۱)
۲۴. نپذیرفتن ولایت قومی که خریداران غضب و خشم الهی اند. (ممتحنه/۱۳)
۲۵. هشیاری اجتماعی در موقعیت های حساس جامعه (امتحان زنان مهاجر)، (ممتحنه/۱۰)
۲۶. عفو و بخشش نزدیکانی که (در واقع) کرداری دشمنانه دارند. (تغابن/۱۴)
۲۷. جایگزین نکردن دوستی مؤمنان با کافران. (نساء/۱۴۴)
- د) مضامین طرح شده پس از خطاب «یا أيها الذین ءامنوا» که مربوط به احکام است:
۱. التزام و پای بندی به قوانین مضبوط جامعه (مانند قصاص) و اعتقادات صواب و پایدار آن (مانند روزه)، (بقره/۱۷۸ و ۱۸۳)
 ۲. رعایت آداب ظاهری و باطنی نماز و مقدمات آن. (نساء/۴۳، مائده/۶)
 ۳. اطاعت از خدا و رسول او و صاحبان امر (اولی الامر)، (نساء/۵۹)
 ۴. دفاع و کارزار فردی یا جمعی در صورت لزوم. (نساء/۷۱)
 ۵. رعایت موازین و حدود شرعی در کسب، و وفای به قراردادهای و پیمان ها. (مائده/۱)

۶. رعایت و احترام شعائر دینی به ویژه در ایام حج. (مائده/۲ و ۹۵)

۷. جهاد در راه خدا. (مائده/۳۵؛ توبه/۱۲۳)

۸. اجتناب از شراب، قمار و شرط بندی. (مائده/۹۰)

۹. نوشتن وصیت با رعایت موازین شرعی. (مائده/۱۰۶)

۱۰. فرمان به رکوع، سجده، عبادت خدا و انجام کارهای نیک. (توبه/۷۷)

۱۱. (بیان) احکام طلاق و امر به رعایت آن. (احزاب/۴۹)

۱۲. پرداخت صدقه پیش از نجوا با پیامبر (ص). (مجادله/۱۲)

۱۳. اهتمام به عبادات جمعی پیش از تجارت و معاملات. (جمعه/۹)

آشنایی با این اوامر و مضامین، بیان گر این حقیقت است که موضوعات طرح شده پس از این خطاب، متنوع بوده (اعتقادی، اجتماعی، اخلاقی، احکام) و از جمله تذکرات و تعلیماتی است که لازمه حیات فردی و اجتماعی مؤمنان است، مؤمنانی که اگر چه خدا و رسولش را تصدیق کرده اند، لکن آثار ایمان در ژرفای جانشان رسوخ نکرده است.

قرآن پس از اصلاح اندیشه ها و شرک زدایی آن (در سور مکی) به پیراستن اعمال مؤمنان از آلودگی ها و زنگارهای بازمانده شرک و سنت های جاهلی می پردازد و علاوه بر این، شماری از آیات حامل این خطاب ها، حاوی اصول و قوانینی برای جامعه اسلامی و تازه تأسیس مدینه است. اهتمام قرآن به تذکرات و رهنمودهای اعتقادی در سور مدنی - علاوه بر سور مکی - حاکی از این است که تکرار و پردازش این موضوع در سور مکی، تنها به خاطر انکار مشرکان مکه نبود بلکه به خاطر جایگاه مهم باورها و مبانی و خاستگاه آن در زندگی آدمی است، و طرح موضوعات اخلاقی و اجتماعی - در این سور - بیانگر توجه ویژه قرآن به زندگی جمعی آدمیان - علاوه بر زندگی فردی آنان - است.

ب) أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ

این تعبیر تنها یک بار - در خطاب به مؤمنان - به کار رفته است و در واقع اعلان این نکته است، که رستگاری مؤمنان در گرو توبه است^{۲۸}: **وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ**.^{۲۹} (نور، ۳۱/۲۴)

برخی مصداق این خطاب را منافقین می‌دانند که تظاهر به ایمان می‌کنند. ۳۰ و گفته‌اند در این خطاب، مراد جمیع بندگان است و خداوند امر را خطاب به مؤمنان آورده تا گنه کار شرمسار نگردد. ۳۱

ج) یا عبادی...

در شماری از آیات قرآن، خداوند با عبارت «عبادی» عموم بندگان را مورد خطاب قرار داده است. از آنجا که برخی از این خطاب‌ها با توصیف ایمان همراه است، ۳۲ در زمره خطاب به مؤمنان ذکر می‌شود: یا عبادی الذین ءامنوا إن أرضی واسعة فإتیای فاعبدون. (عنکبوت، ۵۶/۲۹)

این آیه کسانی را که در دینداری و انجام عبادات، با مانع و سختی روبرو می‌شوند، به هجرت توصیه می‌کند. ۳۳

در شماری از آیات نیز پیامبر (ص) مأمور ابلاغ پیامی به این گروه است: وقل لِّعبادی ۳۴ یقولوا الّتی هی أحسنُ إن الشَّیطانَ یَنزِعُ بینهمُ إن الشَّیطانَ کانَ لِلإنسانِ عدوًّا مُبیناً. (اسراء، ۵۳/۱۷) ای پیامبر، به بندگان (با ایمانم) بگو به (گفتن) گفتار نیک و صواب همت گمارند که شیطان - دشمن آشکار آدمی - عزم کدورت افکنی میان بندگان را دارد.

آیات دیگری که حامل این خطاب است از یک سو هشدار به مؤمنان است که فرصت پیش از رستاخیز را مغتنم شمرده و نماز پهای دارند و آشکار و نهان انفاق کنند (ابراهیم/۳۱)، از سوی دیگر شامل بشارتی شوق‌انگیز به ایشان است. (زمر/۱۰) در خطابی دیگر خداوند مؤمنان و تقوا پیشگان را - در هنگامه قیامت - از هر بیم و اندوهی ایمنی می‌دهد: ۳۵ یا عباد لا خوف علیکم الیوم ولا أنتم تحزنون. (زخرف، ۶۸/۴۳)

د) یا أیتها النفس المطمئنة

این خطاب تنها یک بار در قرآن آمده است. غالب مفسران بر این عقیده‌اند که این خطاب، ویژه مؤمنان است. ۳۶ و زمان این خطاب، لحظه فرارسیدن مرگ یا هنگامه رستاخیز است. ۳۷، زیرا مؤمنان با آرامش و سکونی که ارمغان ایمانشان است جان باخته و یا محسور خواهند شد. ۳۸

برخی نیز - در معنای این خطاب - گفته اند: مراد، نفس رضامند و خشنود است که با یاد خدا آرامش یافته و در همه حال به رضای او خرسند است. ۳۹

سخن نگارنده

خطاب های قرآن به مؤمنان، عزم و اهتمام فراوانی را - در اندیشه و عمل - خواستار است و این اهتمام نه تنها ویژه مؤمنان بلکه شامل تمام آدمیان است که راه راستی و درستی را بر کژی و ناراستی برمی گزینند.

بسی سعادت و بشارت مؤمنان را، که قریب صد بار خداوند به صراحت با آنان سخن گفته است و ایشان را به نیک اندیشی و نیک رفتاری فراخوانده است. لیکن از سوی دیگر، مسؤولیتی بس سنگین و دشوار متوجه این گروه - که مدعی ایمان به خدایند - می باشد که گاه خود قرآن نیز با الحنی عتاب آمیز به آن اشاره دارد. (صف / ۲؛ حجات / ۶ و ...)

۱. در قریب ۷۰ مورد پس از خطاب، فعل امر و نهی، و در سایر موارد پس از آن، عبارتی غیر امری (پرسشی، خبری و یا شرطی) آمده است.
۲. محمد بن احمد قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ۱/ ۲۲۵؛ ابوالخیر عبدالرحمن بیضاوی، انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۱/ ۲۱۵؛ ملافتح الله کاشانی، منهج الصادقین، ۱/ ۲۷۰ و ...
۳. احمد بن عبدالحکیم ابن تیمیه الحرانی، کتب و رسائل و فتاوی ابن تیمیه فی التفسیر، ۱۵/ ۱۶۱.
۴. محمد قطب، دراسات قرآنیه / ۲۱ و ۲۲.
۵. محمد الالوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، ۴/ ۴۶؛ فخر رازی، التفسیر الکبیر، ۲/ ۹۲.
۶. علامه طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱/ ۲۷۱.
۷. روح المعانی، ۴/ ۹۹.
۸. محمد بن جریر طبری، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۴/ ۳۰۵.
۹. دراسات قرآنیه، ۲/ ۷۷۷.
۱۰. روح المعانی، ۴/ ۴۶۱.
۱۱. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ۱/ ۲۵۲؛ منهج الصادقین، ۱/ ۲۷۱؛ التفسیر الکبیر، ۲/ ۹۲؛ ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ۱/ ۱۴۹.
۱۲. فخر رازی می گوید: خداوند در این دنیا، ما را به اشرف صفات و اسماء (یعنی مؤمن) خطاب کرد و امید آن داریم



- که در آخرت نیز فضلش را شامل حال ما کند و با ما معامله ای احسن داشته باشد. (۲۲۳/۳).
۱۳. تفسیر الکبیر، ۹۲/۲؛ روح المعانی، ۴۶/۴؛ الجامع لاحکام القرآن، ۳۸۷/۷؛ المیزان، ۳۷۳/۱.
۱۴. زرکشی، البرهان فی علوم القرآن، ۲۴۷/۲.
۱۵. روح المعانی، ۱۹۰/۹.
۱۶. جامع البیان فی تفسیر القرآن، ۳۰۵/۴ و ۲۲۱/۹.
۱۷. محمد بن محمد ابن السعود، ارشاد العقل السلیم الی قضایا القرآن الکریم، ۱۸/۴؛ اسماعیل البروسوی، روح البیان، ۱۹۷/۱؛ المیزان، ۶/۲.
۱۸. جلال الدین سیوطی، الاتقان فی تفسیر بالمأثور، ۳۳/۲.
۱۹. سید قطب، فی ظلال القرآن، ۷۷۵/۲.
۲۰. الدرالمشور، ۲۵۲/۱؛ تفسیر الکبیر، ۹۲/۲؛ منهج الصادقین، ۲۷۱/۱.
۲۱. علی العروسی الحویزی، نورالثقلین، ۱۰۵/۱.
۲۲. هاشم الحسینی البحرانی، البرهان فی تفسیر القرآن، ۲۹۶/۱؛ المیزان، ۲۷۱/۱.
۲۳. المیزان، ۲۷۱/۱.
۲۴. الجامع لاحکام القرآن، ۳۰/۳؛ شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ۲۶/۳؛ شیخ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۵۲۲/۱؛ انوار التنزیل و اسرار التأویل، ۳۷۶/۱.
۲۵. محمد جواد مغنیه، التفسیر الکاشف، ۱۶۶/۱؛ کتب و رسایل و فتاوی ابن تیمیه، ۱۶۱/۱۵.
۲۶. که گاه - از نظر مصداق - با یکدیگر تداخل دارند.
۲۷. اما نجوا در باب نیکی و پرهیزکاری بلامانع است (مجادله/۹).
۲۸. مجمع البیان، ۱۳۸/۴.
۲۹. برخی در تفسیر این آیه، اشاره به حدیثی از پیامبر کرده اند که فرمود: من روزانه صدبار توبه می کنم (مجمع البیان، ۴/۱۳۸، منهج الصادقین، ۳۰/۶) و نیز گفته اند مراد از توبه پیامبر (ص) توجه به خدا و انقطاع از غیر اوست (مجمع البیان، ۴/۱۳۸).
۳۰. البرهان فی علوم القرآن، ۲۴۷/۲.
۳۱. منهج الصادقین، ۳۰۰/۶.
۳۲. این خطاب ها در آیات (عنکبوت/۵۶؛ ابراهیم/۳۱؛ زمر/۱۰ و اسراء/۵۳) آمده است.
۳۳. المیزان، ۲۱۶/۱۶.
۳۴. در این خطاب اگر چه وصف ایمان ذکر نشده، لکن شماری از مفسران آن را خطاب به بندگان مؤمن می دانند. (المیزان، ۱۶۱/۱۳۰؛ مجمع البیان، ۳۰/۳۰؛ منهج الصادقین، ۵/۲۸۷ و...).
۳۵. تفسیر القمی، ۴۲۲/۲؛ تفسیر البیان، ۴۸۳/۵؛ منهج الصادقین، ۱۰/۲۴۶.
۳۶. التبیان، ۳۴۴/۱۰.
۳۷. المیزان، ۴۷۷/۲۰.